

1. نحوه ی تشخیص اسم، نقش های اسم، ضمیرها، و ترجمه ی آن ها بطور کامل توضیح داده شد.
2. نحوه ی تشخیص صفت، انواع صفت (تساوی/ تفصیلی/ عالی)، و ترجمه ی ترکیبهای وصفی همراه با مثال بطور کامل توضیح داده شد.
3. طرز ساخت صفت از فعل و ترجمه ی آنها همراه با مثال بطور کامل توضیح داده شد.
4. نحوه ی تشخیص قید، جاهای قید و ترجمه ی آن همراه با مثال بطور کامل توضیح داده شد.
5. نحوه ی تشخیص و ترجمه ی حال ساده (معلوم/ مجهول) و گذشته ی ساده (معلوم/ مجهول) همراه با مثال بطور کامل توضیح داده شد.
6. کمک فعل های will/ must/ should/ can/ may و ترجمه ی آنها همراه با مثال بطور کامل توضیح داده شد.

مرور جلسات قبل:

جلسه ی اول

برای اینکه بتوانیم جمله ها را ترجمه کنیم و از دیکشنری درست استفاده کنیم، باید بتوانیم اسم، صفت، قید، و فعل را از هم تشخیص بدهیم.

به دو جمله ی زیردقت کنید:

1. Ali bought a **book**.
2. Mary will **book** a hotel room.

کلمه ی "book" در هر دو جمله تکرار شده، ولی در جمله ی اول "اسم" و به معنای "کتاب" و در جمله ی دوم "فعل" و به معنی "رزرو کردن" است.

1. She works for a law **firm**.
2. She has a **firm** belief in God.

3. She must **firm** her muscles.

کلمه ی "firm" در جمله ی اول "اسم" و به معنای "شرکت" / در جمله ی دوم "صفت" و به معنای "راسخ" / و در جمله ی سوم "فعل" و به معنای "سفت کردن" است.

پس ما باید انواع کلمه (اسم، صفت، قید، و فعل) را در جمله تشخیص دهیم تا از دیکشنری معنی مناسب و درست را استخراج کنیم.

ما قصد داریم شما را با انواع کلمه آشنا کنیم.

معرفی اسم (noun) که در دیکشنری با (n) نشان داده می شود.

جاهای اسم (بعد از این علامتها که به آنها اشاره خواهیم کرد، حتما اسم می آید؛ اسم می تواند بلافاصله بعد از این علامتها بیاید یا با فاصله از آنها).

1. بعد از حروف تعریف (a/ an/ the) حتما اسم می آید.

اگر بعد از علامت اسم یک کلمه داشتید، همان کلمه "اسم" است.

a girl یک دختر، دختری

A bookkeeper یک دفتردار، دفترداری

The company شرکت

An accountant یک حسابدار، حسابداری

a/an را "یک" یا "-ی" ترجمه کنید. The معمولا "ترجمه نمی شود.

در همه ی مثالها، اسم ها با رنگ آبی مشخص شده اند.

اگر بعد از علامت اسم چندتا کلمه داشتید، آخرین کلمه "اسم" است.

A professional bookkeeper یک دفتردار حرفه ای/دفترداری حرفه ای

The economic entity واحد اقتصادی

An Iranian accountant یک حسابدار ایرانی / حسابداری ایرانی

موقع ترجمه، اول علامت اسم ترجمه شود. بعد اسم و همراهانش. (مثالهای بالا را ببینید)

2. بعد از صفت

الف. صفت توصیفی مثل زیبا، زشت، بزرگ، حرفه ای...

A beautiful girl یک دختر زیبا / دختری زیبا

The financial information اطلاعات مالی

اول علامت اسم را ترجمه می کنیم بعد اسم و همراهانش.

ب. صفت اشاره: برای اشاره به کار می روند (this/ that/ these/ those). این، آن...

This firm این شرکت

That manager آن مدیر

These managers این مدیران

Those companies آن شرکت ها

This economic entity این واحد اقتصادی

That professional accountant آن حسابدار حرفه ای

These successful bookkeepers این دفترداران موفق

Those professional managers آن مدیران حرفه ای

ج. صفت ملکی: برای بیان مالکیت به کار می رود.

(my/ your/ his/ her/ its/ our/ your/ their)

My share سهام من/سهامم

Your manager مدیر تو/مدیرت

His company شرکت او/ شرکتش(آقا)

Her wage دستمزد او/ دستمزدش(خانم)

Its legs پایه های آن / پایه هایش(مثلا در مورد پایه های میز صحبت می کنیم)

Our class کلاس ما/ کلاسما

Your sister خواهرشما/ خواهرتان

Their teacher معلم آنها/معلمشان

دوباره تکرار می کنیم که بعد از علامتهای اسم حتما اسم داریم. این اسم می تواند بلافاصله بعد از این علامتها بیاید یا بافاصله.

My mother مادر من/مادرم

My kind mother مادر مهربان من/مادر مهربانم

My صفت ملکی و از علامتهای اسم است. بعد از my دو تا کلمه آمده است. آخرین کلمه اسم است.

همیشه اول علامت اسم ترجمه میشود بعد اسم و همراهانش. ولی در مورد صفت ملکی، اول اسم و همراهانش ترجمه می شود. و صفت ملکی آخر ترجمه می شود.

3. بعد از کلماتی مثل some, many, much, a lot of, any, no, a few,...

Many problems مشکلات زیادی

مشکلات اقتصادی زیادی Many economic problems

بعضی از واحدها/تعدادی از واحدها Some entities

بعضی از واحدهای اقتصادی/تعدادی از واحدهای اقتصادی Some economic entities

هیچ اطلاعاتی No information

هیچ اطلاعات مالی No financial information

4. بعد از عدد

الف. اعداد شمارشی مثل یک، دو، سه،... که برای شمارش بکار میروند.

یک حسابدار One accountant

دو دفتردار حرفه ای two professional bookkeepers

ب. اعداد ترتیبی مثل اولین (اول، یکم)، دومین (دوم)، سومین (سوم)... که ترتیب رانشان می دهند.

(first, second, third, fourth, fifth, sixth, seventh, eighth, ninth, tenth...)

(1st, 2nd, 3rd, 4th, 5th, 6th, 7th, 8th, 9th, 10th, ...)

اولین شرکت / شرکت اول the first company

مدیر دوم / دومین مدیر the second manager

واحد اقتصادی سوم/سومین واحد اقتصادی the third economic entity

5. بعد از s مالکیت (s): برای نشان دادن مالکیت بکار میروند.

دستمزد علی Ali's wage

مدیر موفق علی Ali's successful manager

موقع ترجمه، اول اسم بعد از (s) ترجمه میشود و با (کسره) به اسم قبل (s) افزوده میشود.

جالب است بدانید که (s) خودش هم به اسم می چسبد. یعنی کلمه ی قبل (s) هم اسم است.

اگر کلمه ای که (s) به آن می چسبد به s ختم شده باشد، (s) به صورت () ظاهر می شود.

مثال:

The students' teacher معلم دانش آموزان

ترجمه ی این عبارت هم مثل مثالهای قبل است هیچ فرقی ندارد. اول اسم بعد از () ترجمه می شود و بعد با (کسره) به اسم قبل () می چسبد.

My friend's kind mother مادر مهربان دوست من

6. بعد از حروف اضافه مثل for, from, by, in, on, about, of, ...

حروف اضافه را در دیکشنری با (prep) نشان می دهند.

The price of that blue dress قیمت آن پیراهن آبی

زمانی که حرف اضافه ی (of) داریم، اول کلمه ی قبل (of) را ترجمه می کنیم بعد با (کسره) به کلمه ی بعد (of) وصل می کنیم. اگر (کسره) مناسب نبود، کلمه ی (از) استفاده شود. در غیراینصورت (of) ترجمه نمی شود. به ترجمه ی (of) در عبارات زیر دقت کنید:

The price of that house قیمت آن خانه

One of the students یکی از دانش آموزان

Two liters of water دو لیتر آب

7. اسامی خاص هم اسم محسوب می شوند. اسم اشخاص، شهرها، کشورها... که همواره در هر جای جمله با حرف بزرگ نوشته می شوند.

Ali, Mary, Tehran, Iran, Frederick Worth,...

8. فقط اسم، جمع بسته می شود. (فعلا اسم جمع را محدود می کنیم به کلمه ای که s جمع بگیرد.)

A good accountant یک حسابدار خوب

Good accountants حسابداران خوب

از این مثال بخوبی پیداست که فقط اسم جمع بسته می شود. صفت، قید، یا فعل جمع بسته نمی شوند.

نقش های اسم.....

اسم می تواند فاعل یا مفعول باشد.

فاعل، اسمی است که قبل از فعل می آید.

مفعول، اسمی است که بعد از فعل یا بعد از حرف اضافه می آید.

همه ی جمله ها حتما فعل دارند. فعل هسته ی جمله است. جمله با

حرف بزرگ شروع می شود و به نقطه ختم می شود. تاالان، اسم ها

رایاد گرفتیم. اگر اسم ها را جدا کنید، می توانید فعل را پیدا کنید. با

پیدا کردن فعل، مشخص کردن فاعل و مفعول هم میسر می شود.

به جمله های زیر دقت کنید: (نحوه ی ترجمه ی فعل ها در مبحث

فعل بطور کامل توضیح داده می شود. در این بخش تمرکز روی

اسم، نقش اسم، و ترجمه ی آن است.)

اسم ها با رنگ زرد مشخص شده اند. کلمه ای که می ماند، فعل

است.

1. Zahra loves her mother.

پس loves فعل است. Zahra فاعل، her mother مفعول.

چون فعلا مبحث فعل را درس نداده ام، فعل ها را خودم ترجمه می کنم. سعی کنید جمله ها را ترجمه کنید. Loves دوست دارد.
ترجمه ی جمله: زهرا دوست دارد مادرش را.

2. Zahra gave the cat some food.

با جدا کردن اسم ها، فعل پیدا می شود. Gave فعل جمله است به معنی "داد".

بعد از فعل، دو تا اسم آمده. یعنی این فعل، دو تا مفعول دارد. مفعول نزدیکتر به فعل با حرف اضافه ی "به" و مفعول دورتر با حرف اضافه ی "را" ترجمه شود. گاهی حرف اضافه ی "را" حذف می شود.
ترجمه ی جمله ی 2: زهرا داد به گربه مقداری غذا (را).

3. Zahra sent her mother some flowers.

Sent فعل جمله به معنی "فرستاد".

زهرا فرستاد به مادرش تعدادی گل (را).

همانطور که گفتیم، بعد از حرف اضافه هم اسم می آید. نقش اسمی که بعد از حرف اضافه می آید، مفعول است.

Ali took some money from his father.

در این جمله، took به معنی "گرفت" فعل است.

ترجمه ی جمله: علی گرفت مقداری پول (را) از پدرش.
پس علامت مفعول در انگلیسی "را"، "به"، و "از" است.

ضمیر

ضمیر کلمه ای است که جای اسم تکراری می نشیند و از تکرار آن جلوگیری می کند.

حالا که ضمیر جای اسم می نشیند، پس مثل اسم می تواند فاعل یا مفعول باشد.

پس دو نوع ضمیر داریم: ضمیر فاعلی و ضمیر مفعولی.

ضمیر فاعلی ضمیری است که قبل از فعل می آید.

ضمیر مفعولی ضمیری است که بعد از فعل یا بعد از حرف اضافه می آید.

ضمایر فاعلی

ا من

You تو

He او (آقا)

She او (خانم)

It آن

We ما

You شما

They آنها

اینها ضمایر فاعلی هستند یعنی شما این ضمیرها را قبل فعل می بینید.
به عبارتی دیگر، کلمه ای که بعد اینها واقع می شود، فعل است.

They stain.

Stain (n)

Stain (v)

اگر به دیکشنری مراجعه کنیم، کلمه ی stain می تواند هم اسم باشد هم فعل. همه ی جمله ها حتما فعل دارند پس stain اینجا فعل است. دلیل دیگر اینکه they ضمیر فاعلی است یعنی قبل فعل می آید.

ضمایر مفعولی

Me به من، از من، من را

You به تو، از تو، تو را

Him به او، از او، او را (آقا)

Her به او، از او، او را (خانم)

It به آن، از آن، آن را

Us به ما، از ما، ما را

You به شما، از شما، شما را

Them به آنها، از آنها، آنها را

ضمایر مفعولی را بعد از حرف اضافه و فعل ها می بینیم. همانطور که گفتیم، علامت مفعول در انگلیسی "از"، "را"، "و" به "است، بسته به اینکه فعل به چه حرف اضافه ای نیاز دارد. برای درک بهتر این جمله به ترجمه ی ضمایر فاعلی و مفعولی در مثالهای زیر دقت کنید!

I asked him.

اگر در جمله اسم ها و ضمیر ها را جدا کنیم، آنچه می ماند فعل است. ا ضمیر فاعلی است و قبل فعل می آید. Him ضمیر مفعولی است و بعد از فعل آمده. Asked فعل جمله است و به معنی پرسیدم.

ترجمه ی جمله: **من پرسیدم از او.**

I told him.

من گفتم به او.

We saw him.

ما دیدیم او را.

ضمیر مفعولی him به سه شکل از او، به او، و او را ترجمه شده است.

همانطور که گفتیم، ضمیر کلمه ای است که بجای اسم تکراری می نشیند تا از تکرار آن جلوگیری کند. در جملات زیر، اسم تکراری را با ضمیر مناسب جایگزین کنید!

1. Zahra was crossing the street.

2. Ali saw Zahra.

در این دو جمله، اسم ها را جدا کردیم. فعل ها را پیدا کردیم. Zahra در جمله ی دوم اسم تکراری است و باید بجایش ضمیراستفاده کنیم. فاعلی یا مفعولی؟ چون بعد از فعل آمده، مفعول است و ما هم ضمیر مفعولی می خواهیم. Her ضمیر مناسب است.

1. Ali saw Zahra.

2. Zahra was crossing the street.

در این دو جمله، اسم ها را جدا کردیم. فعل ها را پیدا کردیم. Zahra در جمله ی دوم اسم تکراری است و باید بجایش ضمیراستفاده کنیم. فاعلی یا مفعولی؟ چون قبل از فعل آمده، فاعل است و ما هم ضمیر فاعلی می خواهیم. She ضمیر مناسب است.

.....
با توجه به موارد ذکر شده، در جمله ی زیر فعل را مشخص کنید!

I lent Zahra a book.

با جدا کردن اسم ها و ضمیرها، فعل نمایان می شود. Lent فعل ماست به معنی "قرض دادم".

جمله را ترجمه کنید و بجای Zahra ضمیر مناسب بگذارید!

من قرض دادم به زهرا یک کتاب (را). یا من قرض دادم به زهرا کتابی (را).

Zahra بعد از فعل قرار گرفته، پس ما ضمیر مفعولی her نیاز داریم.

I lent her a book.

من قرض دادم به او یک کتاب (را). یا من قرض دادم به او کتابی (را).

جلسه ی دوم

معرفی صفت (adjective) که در دیکشنری با (adj) نشان داده می شود.

جاهای صفت: (صفت ها با رنگ قرمز مشخص خواهند شد).

1. قبل از اسم (اگر علامتهای اسم را بلد باشید، می توانید صفت را تشخیص بدهید).

The scarce resources منابع کمیاب

The financial information اطلاعات مالی

A professional bookkeeper یک دفتردار حرفه ای

The use of limited resources استفاده از منابع محدود

موقع ترجمه، اول اسم ترجمه می شود سپس صفت.

.....

2. بعد از افعال ربطی: افعال ربطی به افعالی به معنای بودن (am/ is/ are/ was/were) شدن (get/ become) ، و به نظر رسیدن (appear/ look/ seem) اشاره دارد.

اگر بعد از فعل ربطی، یک کلمه داشتید که علامتهای اسم را نداشت، آن کلمه صفت است.

او هست خشمگین (عصبانی). She is **angry**.

در این جمله is فعل ربطی است و کلمه ی بعدش angry علامتهای اسم (درس جلسه ی اول) را ندارد، پس صفت است.

She is **kind** to me. او هست مهربان با من.

اگر به دیکشنری مراجعه کنیم می بینیم که kind هم می تواند اسم باشد هم صفت.

Kind (n) نوع

Kind(adj) مهربان

در این جمله is فعل ربطی است و کلمه ی بعدش kind علامتهای اسم را ندارد پس صفت است.

نکته: قبل از فعل، اسم یا ضمیر می آید.

.....
انواع صفت، تشخیص، ترجمه (صفت ها با رنگ قرمز مشخص شده اند).

1. صفت تساوی: دو فرد، دو شی، دو گروه با هم مقایسه می شوند و صفتی بین آنها یکسان است.

This manager is as **successful** as that manager.

This manager و that manager از نظر موفقیت با هم مقایسه می شوند. صفت موفق بودن در هر دو به یک اندازه است.

فعل ما فعل ربطی است، پس صفت داریم. صفت بین دو تا as قرار گرفته، پس صفت تساوی است.

ترجمه: این مدیر مثل آن مدیر موفق است.
بین دو تا as صفت قرار می گیرد به شرطی که فعل ما ربطی باشد.

.....
2. صفت تفصیلی: دو فرد، دو شی، دو گروه با هم مقایسه می شوند و صفتی در یکی بیشتر از دیگری است. در فارسی اینگونه بیان می کنیم: علی از زهرا جوانتر است. "تر" علامت صفت تفصیلی است.

Ali is **younger** than Zahra.

Is فعل ربطی است. بعد فعل ربطی صفت می آید. به صفت er اضافه شده، پس صفت تفصیلی است و موقع ترجمه به صفت "تر" اضافه می کنیم.

Than حرف اضافه و به معنی "از" است.

ترجمه: علی است جوانتر از زهرا.

بعضی وقت ها er به آخر صفت افزوده نمی شود، بلکه more قبل از صفت می آید. این هم صفت تفصیلی است و باز با "تر" ترجمه می شود.

This manager is more **successful** than that manager.

is فعل ربطی است. بعد فعل ربطی صفت می آید. قبل از صفت more آمده، پس صفت تفصیلی است و موقع ترجمه به صفت "تر" اضافه می کنیم.

ترجمه: این مدیر است موفق تر از آن مدیر.

.....

3. صفت عالی : مقایسه بین دو فرد، دو شی، دو گروه نیست. یک نفر، یک شی، یا یک گروه را با چند نفر، شی، یا گروه مقایسه می کنیم. علامت صفت عالی در فارسی "ترین" است.

Ali is the **youngest** student of the class.

علی **جوانترین** دانش آموز کلاس است.

در جمله ی بالا the علامت اسم است. Student اسم است. قبل اسم، صفت می آید. پس young صفت است. به صفت est اضافه شده، پس صفت عالی است و باید با "ترین" ترجمه شود.

نکته: همیشه اول اسم ترجمه می شود، بعد صفت را ترجمه می کنیم. در مورد صفت عالی، اول صفت ترجمه می شود. بعد اسم را ترجمه می کنیم.

بعضی وقتها est به آخر صفت افزوده نمی شود. بلکه most قبل از صفت می آید، این هم صفت عالی است و باز با "ترین" ترجمه می شود.

Ali is the most **successful** manager of the company.

در جمله ی بالا the علامت اسم است. manager اسم است. قبل اسم، صفت می آید. پس successful صفت است. قبل صفت most اضافه شده، پس صفت عالی است و باید با "ترین" ترجمه شود.

ترجمه: علی هست موفق ترین مدیر شرکت.

نحوه ی درست کردن صفت از فعل:

از فعل می شود دو نوع صفت درست کرد. برای راحتی کار آنها را صفت فاعلی و مفعولی نامگذاری کنیم.

هر فعلی سه شکل دارد.

(قسمت سوم فعل / شکل گذشته / شکل اصلی یا ساده ی فعل)

اگر شکل اصلی فعل ing بگیرد و جای صفت واقع شود، به آن صفت فاعلی می گوییم و با "کننده" ترجمه می کنیم.

مثال:

کردن (disappoint, disappointed, disappointed) نا امید کردن

A **disappointing** exam یک امتحان **نا امید کننده**

کردن (shock, shocked, shocked) شوکه کردن

Shocking news اخبار شوکه کننده

.....
اگر قسمت سوم فعلی در جای صفت واقع شود، به آن صفت مفعولی می گوییم و با "شده" ترجمه می شود. بعضی اوقات "شده" حذف می شود.

کردن (disappoint, disappointed, disappointed) نا امید کردن

A **disappointed** student دانش آموز **نا امید** شده ("شده" را می توان حذف کرد)

کردن (plan, planned, planned) برنامه ریزی کردن

The **planned** economy اقتصاد **برنامه ریزی شده**

.....
قید

(adverb) که در دیکشنری با (adv) نشان داده می شود.

کلمه ای که زمان را نشان بدهد، قید زمان است. مثل: دیروز / امروز / فردا / دو روز قبل / ساعت 5....

کلمه ای که مکان را نشان بدهد، قید مکان است. مثل:
اینجا/تهران/بالا/...

ما به معرفی سه قیدی می پردازیم که بیشتر در متن ها می بینیم.
قید تشدید: very یعنی خیلی

قید حالت: حالت انجام کار را نشان می دهد. کار چگونه انجام شده
است. در جواب how "چگونه" می آید. اگر به صفت "ly" اضافه کنیم،
قید حالت درست می شود.

آسان Easy

به آسانی Easy+ly→easily

خوشحال Happy

با خوشحالی Happy+ly→happily

واقعی Real

"واقعا" Real+ly→really

قید تکرار: تکرار انجام کار را نشان می دهد.

همیشه Always

هرگز Never

گاهگاهی Sometimes

اغلب "غالبا"/ Often

"معمولا" Usually

جاهای قید

به مثال زیر دقت کنید:

1. A girl یک دختر.

اسم

2. A good girl یک دختر خوب.

اسم + صفت

3. A very good girl یک دختر خیلی خوب.

اسم + صفت + قید

نکته: هیچگاه قید بلافاصله قبل اسم نمی آید. قبل از اسم صفت می آید.

نکته: در ترجمه ی "اسم+صفت+قید"، اول اسم/دوم قید/سوم صفت ترجمه می شود.(موردشماره 3)

A really good girl یک دختر واقعا خوب

Generally accepted principles اصول عموماً پذیرفته شده

Generally accepted accounting principles

اصول حسابداری عموماً پذیرفته شده یا اصول حسابداری پذیرفته شده ی عمومی

سوال:

آیا در عبارت زیر daily قید است؟

The daily needs of people

The علامت اسم است. Of هم علامت اسم است. Needs و people اسم های ماهستند. قبل از اسم جای صفت است. پس daily صفت است. ضمناً همانطور که گفتیم قبل از اسم، بلافاصله قید نمی آید.

ترجمه: نیازهای روزانه (روز مره) ی مردم

Daily(n) روزنامه

Daily(adj) روزانه/روزمره

Daily(adv) هرروز

Need(v) نیاز داشتن

Need(n) نیاز

People مردم

نکته: هر کلمه ای که ly داشت لزوماً قید نیست.

.....

جای قید در جمله

قید می تواند اول جمله، آخر جمله، یا وسط جمله بیاید.

Sometimes, I am late. اول جمله

I come late sometimes. آخر جمله

.....

در مورد اینکه وسط جمله، قید کجا می آید، باید به فعل نگاه کنیم:

الف) اگر فعلتان (be) am/is/are/was/were بود، قید بعد از این فعل ها می آید.

I am sometimes late.

.....

ب) اگر فعلتان (be) am/is/are/was/were نبود، قید قبل از فعل می آید.

I sometimes come late.

.....

ج) اگر فعلتان دو قسمت داشت، قید بین دو قسمت قرار می گیرد. مثل مجهول حال ساده و گذشته ی ساده و فعل هایی که همراه کمک فعل می آیند. این فعل ها در قسمت فعل کامل توضیح داده شده اند.

جلسه ی

سوم

فعل (فقط قسمت های زرد بخش "فعل" را بخوانید با مثال هایی که سرکلاس گفته شده. بقیه ی بخشها کامل مطالعه شود).

تشخیص و ترجمه ی زمان حال ساده: (فقط تشخیص و ترجمه مهم است)

مثال از فعل به زمان حال ساده در زبان فارسی

می نوشم، می نوشی، می نوشد، می نوشیم، می نوشید، می نوشند

می نویسم... می خرم... می فروشم... ممنوع می کنم... همراهی می کنم...

فراهم می کنم... استفاده می کنم... بدست می آورم

هر فعلی در زبان انگلیسی سه شکل دارد:

(قسمت سوم فعل، شکل گذشته، شکل اصلی یا شکل ساده فعل)

(drink , drank , drunk)

اگر در جمله ای شکل اصلی فعل خودش بیاید (drink) یا شکل اصلی فعل s یا es بگیرد (drinks)، زمان حال ساده است.

نکته: همیشه فعل با فاعل (اسم یا ضمیری که قبل فعل می آید) مطابقت می کند.

در زمان حال ساده، اگر فاعل I/ you/ we/ they و یا اسمهای جمع باشد، شکل اصلی فعل بکار می رود (drink).

اگر فاعل he/ she/ it و یا اسمهای مفرد باشد، شکل اصلی فعل یا es می گیرد (drinks).

مثال: (توجه: سه شکل فعل داخل پرانتز نمایش داده شده است.)

Many countries ban the use of chemical weapons.

(ban, banned, banned) ممنوع کردن

باتوجه به اینکه شکل اصلی فعل بکاررفته، زمان حال ساده است. کشورهای زیادی ممنوع می کنند استفاده از سلاح های شیمیایی را.

.....
The physics teacher accompanies the students.

(accompany, accompanied, accompanied) همراهی کردن

باتوجه به اینکه شکل اصلی فعل es بکاررفته، زمان حال ساده است. معلم فیزیک همراهی می کند دانش آموزان را.

.....
That student's parents provide the money for the trip.

(provide, provided, provided) فراهم کردن

باتوجه به اینکه شکل اصلی فعل بکاررفته، زمان حال ساده است. والدین آن دانش آموز فراهم می کنند پول سفر را.

نکته: اگر فاعل دارای s مالکیت (s) بود، فعل با اسمی که بعد از s آمده مطابقت می کند.

.....
The students in Peter's class use the school bus.

(use, used, used) استفاده کردن

باتوجه به اینکه شکل اصلی فعل بکاررفته، زمان حال ساده است. دانش آموزان در کلاس پیتر استفاده می کنند از اتوبوس مدرسه.

(نحوه ی تشخیص فعل و اسم به همراه ترجمه ی اسم در جلسات قبل بطور کامل گفته شده است. به جزوه ی جلسه ی اول مراجعه کنید!)

باتوجه به آنچه که گفته شد، زمان حال ساده دو کمک فعل دارد: do و does. پس اگر در جمله ای do و does وجود داشت، حال ساده است.

کمک فعل do و does در جملات منفی و سوالی بکار می روند. Do وقتی که شکل اصلی فعل بکار رفته و does وقتی که شکل اصلی فعل s یا es گرفته باشد.

وقتی کمک فعل do یا does در جمله بکار می رود، شکل اصلی فعل بکار می رود.

فرق جمله ی معلوم و مجهول و نیز تبدیل معلوم به مجهول گفته شد.

.....**مرور کلی**.....

شرط لازم برای ساختن جمله ی مجهول، وجود مفعول است.

مثال:

The baby cries. (cry, cried, cried)

فاعل فعل

جمله ی بالا مفعول ندارد، پس مجهول نمی شود.

Peter drinks some coffee. (drink, drank, drunk)

این جمله مفعول دارد، پس مجهول می شود. مفعول فعل
فاعل

.....

فرمول کلی فعل مجهول: قسمت سوم فعل + be

منظور از be در زمان حال ساده am/ is/ are است. پس در زمان حال ساده فعل مجهول از قسمت سوم فعل + am/ is / are ساخته می شود.

ساختن جمله ی مجهول:

1. مفعول اول جمله می آید.
2. فعل مجهول را می نویسیم. قسمت سوم فعل + am/is/ are
3. فاعل جمله ی معلوم همراه با حرف اضافه by به آخر جمله ی مجهول اضافه می شود.

مثال(در همه جمله ها، فاعل بارنگ آبی، فعل با رنگ قرمز، و مفعول با سبز مشخص شده است)

Many countries ban the use of chemical weapons.

(ban, banned, banned)

برای تشخیص زمان جمله و معلوم یا مجهول بودن آن، فقط سراغ فعل بروید.

زمان حال ساده، چون همانگونه که در بالا اشاره شد، شکل اصلی فعل بکاررفته است.

The use of chemical weapons is banned by many countries.

نکته: اگر am/ is/ are به تنهایی بیابند(یعنی بعد از آنها قسمت سوم فعل نیاید)، بصورت هستم، هستی، هست، هستیم، هستید، هستند ترجمه می شوند. ولی اگر am/ is/ are با قسمت سوم فعل همراه شوند بصورت می شوم، می شوی، می شود، می شویم، می شوید، می شوند ترجمه می شوند.

ترجمه ی جمله ی بالا: استفاده از سلاح های شیمیایی **ممنوع می شود** بوسیله (توسط) کشورهای زیادی.

.....

نکته: فعل همواره با اسم یا ضمیری که قبلش می آید، مطابقت می کند. سوال: اگر قبل از فعل بیش از یک اسم داشتیم، مثل جمله ی بالا، تکلیف چیست؟

فعل با اسمی مطابقت می کند که همراهش حرف اضافه نباشد. به خاطر داشته باشید که a/ an/ the حروف اضافه نیستند. حروف اضافه مثل in, of, for, by, from, to,... (به جزوه ی جلسه ی اول رجوع کنید!)

The **use** of chemical **weapons** **is banned** by many countries.

در این جمله اسم های قبل از فعل را با رنگ زرد نشان داده ایم. فعل با use مطابقت می کند. چون قبل از chemical weapons حرف اضافه داریم.

.....

The physics teacher **accompanies** the students.

(accompany, accompanied, accompanied)

The students **are accompanied** by the physics teacher.

دانش آموزان همراهی می شوند توسط معلم فیزیک.

.....

That student's parents **provide** the money for the trip.

(provide, provided, provided)

The money for the trip **is provided** by that student's parents.

پول سفر فراهم می شود توسط والدین آن دانش آموز.

.....

The students in Peter's class use the school bus.

(use, used, used)

The school bus is used by the students in Peter's class.

اتوبوس مدرسه استفاده می شود توسط دانش آموزان در کلاس پیتر.

.....

They sell some computers.

(sell, sold, sold) فروختن

آنها می فروشند تعدادی کامپیوتر.

Some computers are sold by them.

تعدادی کامپیوتر فروخته می شود توسط آنها.

نکته: همانطور که گفتیم بعد از حرف اضافه، ضمیر مفعولی می آید.
رجوع شود به قسمت ضمائر فاعلی و مفعولی!

تشخیص و ترجمه ی زمان گذشته ی

ساده.....

مثال از فعل به زمان گذشته ساده در زبان فارسی

نوشیدم، نوشیدی، نوشید، نوشیدیم، نوشیدید، نوشیدند

نوشتم... خریدم... فروختم... ممنوع کردم... همراهی کردم...

فراهم کردم... استفاده کردم... بدست آوردم

هرفعلی در زبان انگلیسی سه شکل دارد:

(قسمت سوم فعل، شکل گذشته، شکل اصلی یا شکل ساده فعل)

(drink , drank , drunk)

(cry, cried, cried)

(sleep, **slept**, slept)

اگر شکل گذشته ی فعل به تنهایی (یعنی با am/ is/ are/ was/ were/ have/ has/ had همراه نباشد) زمان جمله گذشته ی ساده است.

Ali **drank** some coffee.

علی **نوشید** مقداری قهوه.

The baby **cried**.

کودک **گریه کرد**.

The baby **slept**.

کودک **خوابید**.

در زمان گذشته ی ساده، ما با دو نوع فعل مواجه می شویم:

1. فعل با قاعده: فعلی که گذشته و قسمت سوم آن بر طبق یک قاعده ای ساخته می شود. یعنی گذشته و قسمت سوم آن با افزودن d یا ed به شکل اصلی فعل ساخته می شود.
مثال:

(wash, wash**ed**, wash**ed**) (open, open**ed**, open**ed**)

2. فعل بی قاعده: فعلی که گذشته و قسمت سوم آن با افزودن d یا ed به شکل اصلی آن ساخته نمی شود.
مثال:

(drink, drank, drunk) (read, read, read)

اگر فعلی با قاعده باشد، گذشته و قسمت سوم آن همیشه مثل هم هستند. (از این به بعد، در مورد افعال با قاعده، سه شکل فعل را به شما نمی دهم)

.....
کمک فعل زمان گذشته did است که در جملات منفی و سوالی بکار می رود. اگر did در جمله ای بکار برود، بعد از آن شکل اصلی فعل بکار می رود.

اگر در جمله ای did وجود داشت، گذشته ی ساده است.

مثال: (توجه: سه شکل فعل داخل پرانتز نمایش داده شده است.)

Many countries banned the use of chemical weapons.

ممنوع کردن (ban, banned, banned)

باتوجه به اینکه شکل گذشته فعل به تنهایی بکاررفته، زمان گذشته ی ساده است. کشورهای زیادی ممنوع کردند استفاده از سلاح های شیمیایی را.

.....
The physics teacher accompanied the students.

همراهی کردن (accompany, accompanied, accompanied)

باتوجه به اینکه شکل گذشته فعل به تنهایی بکاررفته، زمان گذشته ی ساده است. معلم فیزیک همراهی کرد دانش آموزان را.

.....
That student's parents provided the money for the trip.

فراهم کردن (provide, provided, provided)

باتوجه به اینکه شکل گذشته فعل به تنهایی بکاررفته، زمان گذشته ی ساده است. والدین آن دانش آموز فراهم کردند پول سفر را.

.....
The students in Peter's class used the school bus.

استفاده کردن (use, used, used)

باتوجه به اینکه شکل گذشته فعل به تنهایی بکاررفته، زمان گذشته ی ساده است. دانش آموزان در کلاس پیتر استفاده کردند از اتوبوس مدرسه.

تبدیل معلوم به مجهول:

مرور کلی:

شرط لازم برای ساختن جمله ی مجهول، وجود مفعول است.

مثال:

The baby cried. (cry, cried, cried)

فاعل فعل

جمله ی بالا مفعول ندارد، پس مجهول نمی شود.

Peter drank some coffee. (drink, drank, drunk)

این جمله مفعول دارد، پس مجهول میشود . مفعول فعل
فاعل

فرمول کلی فعل مجهول: قسمت سوم فعل + be

منظور از be در زمان گذشته ی ساده was/were است. پس در زمان گذشته ی ساده فعل مجهول از قسمت سوم فعل + was/were ساخته می شود.

ساختن جمله ی مجهول:

1. مفعول اول جمله می آید.
2. فعل مجهول را می نویسیم. قسمت سوم فعل was/were+
3. فاعل جمله ی معلوم همراه با حرف اضافه by به آخر جمله ی مجهول اضافه می شود.

مثال(در همه جمله ها، فاعل بارنگ آبی، فعل با رنگ قرمز، و مفعول با سبز مشخص شده است)

Many countries banned the use of chemical weapons.

(ban, banned, banned)

برای تشخیص زمان جمله و معلوم یا مجهول بودن آن، فقط سراغ فعل بروید.

زمان گذشته ی ساده، چون همانگونه که در بالا اشاره شد، شکل گذشته ی فعل تنها بکاررفته است.

The use of chemical weapons was banned by many countries.

نکته: اگر was/were به تنهایی بیایند (یعنی بعد از آنها قسمت سوم فعل نیاید)، بصورت بوم، بودی، بود، بودیم، بودید، بودند ترجمه می شوند. ولی اگر was/were با قسمت سوم فعل همراه شوند بصورت شدم، شدی، شد، شدیم، شدید، شدند ترجمه می شوند.

ترجمه ی جمله ی بالا: استفاده از سلاح های شیمیایی ممنوع شد بوسیله (توسط) کشورهای زیادی.

نکته: فعل همواره با اسم یا ضمیری که قبلش می آید، مطابقت می کند. سوال: اگر قبل از فعل بیش از یک اسم داشتیم، مثل جمله ی بالا، تکلیف چیست؟

فعل با اسمی مطابقت می کند که همراهش حرف اضافه نباشد. به خاطر داشته باشید که a/ an/ the حروف اضافه نیستند. حروف اضافه مثل in, of, for, by, from, to,... (به جزوه ی جلسه ی اول رجوع کنید!)

The **use** of chemical **weapons** **was banned** by many countries.

در این جمله اسم های قبل از فعل را با رنگ زرد نشان داده ایم. فعل با use مطابقت می کند. چون قبل از chemical weapons حرف اضافه داریم.

.....
The physics teacher **accompanied** the students.

(accompany, accompanied, accompanied)

The students **were accompanied** by the physics teacher.

دانش آموزان همراهی شدند توسط معلم فیزیک.

.....
That student's parents **provided** the money for the trip.

(provide, provided, provided)

The money for the trip **was provided** by that student's parents.

پول سفر فراهم شد توسط والدین آن دانش آموز.

.....
The students in Peter's class **used** the school bus.

(use, used, used)

The school bus **was used** by the students in Peter's class.

اتوبوس مدرسه استفاده شد توسط دانش آموزان در کلاس پیتر.

.....

They **sold** some computers.

(sell, sold, sold) فروختن

آنها فروختند تعدادی کامپیوتر.

Some computers **were sold** by them.

تعدادی کامپیوتر فروخته شد توسط آنها.

نکته: همانطور که گفتیم بعد از حرف اضافه، ضمیر مفعولی می آید.
رجوع شود به قسمت ضمائر فاعلی و مفعولی!

.....
در این قسمت شما را با چند کمک فعل آشنا می کنیم. کمک فعل یعنی کلمه ای که با فعل می آید و به فعل کمک می کند.

Will/can/ must/ should/ may

بعد از همه ی این کمک فعل ها شکل اصلی فعل می آید. پس این کمک فعل ها به شما کمک می کنند که فعل را پیدا کنید.

(use/ used/ used)

Will use استفاده خواهم کرد/ استفاده خواهی کرد/ استفاده خواهد کرد...

Can use می توانم استفاده کنم/ می توانی استفاده کنی/ می تواند استفاده کند...

Must use باید استفاده کنم/ باید استفاده کنی/ باید استفاده کند...

Should use باید استفاده کنم/ باید استفاده کنی/ باید استفاده کند...

May use ممکن است استفاده کنم/ ممکن است استفاده کنی/ ممکن است استفاده کند...

Must اجبار نشان می دهد ولی should می گوید بهتر است کاری انجام شود. توصیه است نه اجبار.

جلسه ی چهارم

نحوه ی ترجمه ی how :

اگر how شروع کننده ی جمله باشد یا بعد از حرف اضافه بیاید، هنگام ترجمه قبل از "چگونه" از کلمه ی "اینکه" استفاده کنید. در این جمله ها معمولا دو تا فعل داریم، یک فعل که همراه با how می آید (یعنی بعد از how می آید) و یکی فعلی که همراه how نیست. در این جمله ها بعد از how کمک فعل نداریم، بلکه اسم یا ضمیر داریم. به مثال زیر دقت کنید:

I don't know how he will pass the exam.

فعل ها با رنگ زرد مشخص شده اند. Will pass فعلی است که همراه how آمده. و فعل دیگر ما don't know است (که فعل اصلی جمله حساب می شود).

اگر دقت کنید می بینید که بعد از how ضمیر آمده (he).

در این جمله how چگونه ترجمه می شود.

Know به معنی دانستن است. کمک فعل don't نشان می دهد که زمان فعل حال ساده است. می دانم / می دانی / می داند... حالا که منفی است: نمی دانم / نمی دانی...

Will در فارسی خواهم / خواهی / خواهد... ترجمه می شود.

ترجمه ی جمله: من نمی دانم چگونه او پاس خواهد کرد امتحان را. (شکل ویرایش شده ی جمله به این صورت است: من نمی دانم او چگونه امتحان را پاس خواهد کرد. البته من از شما ویرایش شده نمی خواهم فعلا یک ترجمه ی ساده با رعایت نکات گفته شده می خواهم)

How he will pass the exam is not clear.

فعل ها با رنگ زرد مشخص شده اند. Will pass فعلی است که همراه how آمده. و فعل دیگر ما is not است (که فعل اصلی جمله حساب می شود).

اگر دقت کنید می بینید که بعد از how ضمیر آمده (he).

این جمله با how شروع شده، پس how "اینکه چگونه" ترجمه می شود.

Will در فارسی خواهم/خواهی/خواهد...ترجمه می شود.

ترجمه ی جمله: اینکه چگونه او پاس خواهد کرد امتحان را معلوم نیست.

I am concerned about how he will pass the exam.

فعل ها با رنگ زرد مشخص شده اند. Will pass فعلی است که همراه how آمده. و فعل دیگر ما am است (که فعل اصلی جمله حساب می شود).

اگر دقت کنید می بینید که بعد از how ضمیر آمده (he).

در این جمله how بعد از حرف اضافه (about) آمده، پس how "اینکه چگونه" ترجمه می شود.

Will در فارسی خواهم/خواهی/خواهد...ترجمه می شود.

ترجمه ی جمله: من نگران هستم درباره ی اینکه چگونه او پاس خواهد کرد امتحان را.

(البته این بدان معناییست که اگر "اینکه" در ترجمه ی خود بکار نبرید، ترجمه اشتباه است. خوبی این روش این است که با استفاده از آن همه ی جمله های دارای how را به آسانی ترجمه می کنید. به مثال زیر دقت کنید!)

نکته: اگر بعد از how اسم یا ضمیر دیدید، یعنی جمله حتما بیش از یک فعل دارید.

مثال:

Awareness of how an economy **functions** **is** vital.....

آگاهی Awareness

اقتصاد Economy

وظیفه / عمل / کارکرد Function(n)

کار کردن / عمل کردن Function(v) (function/ functioned/ functioned)

ضروری Vital

این یک بخشی از جمله است که قصد داریم ترجمه کنیم.

How بکاررفته و بعد how اسم آمده (an economy) پس حتما دو تا فعل را داریم.

یکی از فعل هایمان is است. پس نتیجه می گیریم در این جمله function فعل است و به زمان حال ساده (عمل می کنم / عمل می کنی /...) .

How بعد از حرف اضافه (of) آمده، پس اینکه چگونه ترجمه شود.

ترجمه ی جمله: آگاهی از اینکه چگونه اقتصاد عمل می کند است ضروری...
.....

ترجمه ی شکل اصلی فعل همراه با to (مصدر)

To use/ to solve/ to distribute/ to produce/...

("شکل اصلی فعل +to" فعل حساب نمی شود.)

کلماتی مثل (دیدن / رفتن / خواندن / حل کردن / تولید کردن / ...) در فارسی مصدر هستند.

اگر "شکل اصلی فعل + to" ، فاعل جمله ی شما باشد (یعنی قبل از فعل آمده باشد)، و یا اگر بلافاصله بعد از is یا are بیاید، موقع ترجمه کلمه ی "برای" لازم نیست (به جمله ی شماره 1 و 2 دقت کنید!). در موارد دیگر از کلمه ی " برای " استفاده کنید (به جمله ی شماره 3 و 4 دقت کنید!).

مثال:

1. **To provide** financial information about an economic entity **is** the basic purpose of accounting.

در این جمله، (is) فعل است. قبل فعل، جای فاعل است. پس to provide "فراهم کردن" ترجمه می شود.

ترجمه: **فراهم کردن** اطلاعات مالی درباره ی یک واحد اقتصادی هست هدف اصلی حسابداری.

-
2. The basic purpose of accounting **is to provide** financial information about an economic entity.

در این جمله to provide بلافاصله بعد از is آمده، پس "فراهم کردن" ترجمه می شود.

ترجمه: هدف اصلی حسابداری **است** **فراهم کردن** اطلاعات مالی درباره ی یک واحد اقتصادی.

-
3. Awareness of how an economy functions **is vital to solve** economic problems.

در این جمله، صفت (vital) بین is و to solve فاصله انداخته است. پس هنگام ترجمه کلمه ی "برای" لازم است.

ترجمه: آگاهی از اینکه چگونه اقتصاد عمل می کند **است** ضروری **برای حل کردن** مشکلات اقتصادی.

4. **To solve** economic problems, we **must know** how an economy functions.

در این جمله must know فعل است. قبل فعل ضمیر we فاعل است. پس to solve باید "برای حل کردن" ترجمه شود.

ترجمه: **برای حل کردن** (برای حل) مشکلات اقتصادی، ما باید بدانیم چگونه اقتصاد عمل می کند.

جلسه ی پنجم

ترجمه ی while

While (زمانی که / وقتی که / در حالیکه)

While می تواند برای مقایسه کردن بکار رود. در این صورت " در حالیکه" ترجمه می شود.

1. **While** microeconomics takes a bottom-up approach to analyzing the economy, macroeconomics takes a top-down approach.

ترجمه: **در حالیکه** اقتصاد خرد بکار می برد یک روش پایین به بالا را برای تحلیل اقتصاد، اقتصاد کلان بکار می برد یک روش بالا به پایین را. (اقتصاد خرد و کلان با هم مقایسه شده اند).

2. Macroeconomics takes a top-down approach to analyzing the economy **while** microeconomics takes a bottom-up approach.

ترجمه: اقتصاد کلان بکار می برد یک روش بالا به پایین را برای تحلیل اقتصاد **در حالیکه** اقتصاد خرد بکار می برد یک روش پایین به بالا را. (اقتصاد خرد و کلان با هم مقایسه شده اند).
While می تواند اول جمله یا وسط جمله بیاید.

ترجمه ی صفت هایی مثل state-directed/ U.S-led/ teacher-made/...

گاهی یک اسم به همراه قسمت سوم فعل، صفتی می شود برای اسمی که بعدش می آید.

به مثال های زیر دقت کنید:

A teacher-made test

(make/ made/ made)

A علامت اسم است. پس test اسم و teacher-made صفت هستند.

Teacher-made به این صورت ترجمه می شود: ساخته شده توسط معلم

ترجمه ی کل عبارت: یک آزمون ساخته شده توسط معلم

state-directed activities

activities اسم است چون s جمع دارد. پس state-directed صفت است.

دولت/ حالت/ وضعیت State(n)

تعیین کردن/ بیان کردن State(v)

(state/ stated/ stated)

هدایت کردن/ اداره کردن Direct

فعالیت Activity

همانطور که گفتیم، اسم با قسمت سوم فعل اینگونه صفت ها را می سازند. پس state(n) باید مورد استفاده قرار گیرد.

ترجمه ی کل عبارت: فعالیتهای اداره شده توسط دولت (یا فعالیتهای دولتی)

.....
The U.S-led war

Lead رهبری کردن

(lead/ led/ led)

War جنگ

ترجمه ی کل عبارت: جنگ رهبری شده توسط ایالات متحده

.....
ترجمه ی اسم مصدر: (شکل اصلی فعل که ing گرفته و جاهای اسم واقع می شود)

هر گاه شکل اصلی فعل ing بگیرد و جای اسم واقع شود، اسم مصدر نامیده می شود. اسم مصدر در فارسی مثل: استفاده کردن/ دیدن/ رفتن/ تعیین کردن/ برنامه ریزی کردن/... (در بعضی موارد می توان "کردن" را حذف کرد. مثل استفاده/تماشا/برنامه ریزی/...)

The economic planning

(plan/ planned/ planned) برنامه ریزی کردن

شکل اصلی فعل plan در این عبارت ing گرفته و در جای اسم واقع شده، پس برنامه ریزی یا برنامه ریزی کردن (هر دو درست هستند) ترجمه می شود.

ترجمه ی عبارت: برنامه ریزی اقتصادی

.....
Macroeconomics takes a top-down approach to **analyzing** the economy.

تجزیه کردن (analyze/ analyzed/ analyzed)

To حرف اضافه هست. همانطور که گفتیم بعد از حرف اضافه اسم می آید. شکل اصلی فعل ing گرفته و بعد از حرف اضافه آمده پس اسم مصدر است و باید "تجزیه" یا "تجزیه کردن" ترجمه شود.
ترجمه ی جمله: اقتصاد کلان بکار می برد یک روش بالا به پایین را برای **تجزیه (تجزیه کردن) اقتصاد**.

.....
جلسه ی ششم

نحوه ی ترجمه ی ضمائر موصولی **that/ who/ which**

اگر قبل از کلماتی مثل that/ who/ which بلافاصله اسم بیاید، باید آنها را "که" ترجمه کنید.

مثال:

I bought **a book which** is about animals.

قبل which اسم آمده است؛ پس which باید "که" ترجمه شود.

من خریدم یک کتاب که هست درباره ی حیوانات. (من یک کتاب خریدم که درباره ی حیوانات است.)

.....
I know **a girl who** speaks English well.

من می شناسم دختری را که صحبت می کند انگلیسی به خوبی.

به این کلمات ضمیر موصولی می گویند که بجای اسم ماقبل خود می آیند و از تکرار آن جلوگیری می کنند. (فقط ترجمه اش مد نظر این درس است.)

اگر قبل از which حرف اضافه بیاید، به این صورت ترجمه کنید!
مثال:

This is the car for which I paid a lot of money.

این است ماشینی که برای آن من پرداخت کردم مقدار زیادی پول.

By which که بوسیله ی آن/ آنها

From which که از آن/ آنها

On which که بر روی آن/ آنها

In which که در آن/ آنها

اگر اسم قبل حرف اضافه مفرد باشد از کلمه ی "آن" و اگر اسم جمع باشد از "آنها" استفاده کنید!

نکته: قبل از ضمیر موصولی that هیچگاه حرف اضافه نمی آید.

لغات متن اول:

Economics علم اقتصاد

Economic اقتصادی

Economy اقتصاد

Society جامعه

تعامل Interaction

ساختن Construct

آگاهی Awareness

عمل، وظیفه، کارکرد Function(n)

عمل کردن، کار کردن Function(v)

ضروری Vital

حل کردن Solve

مشکل Problem

جهان، دنیا Globe

کمیاب Scarce

منابع Resources

محدود Limited

نامحدود Unlimited

خواسته Want

انسان، بشر، Human being

معنای...بودن Mean

کمیابی Scarcity

موجود Available

کافی Sufficient

ناکافی Insufficient

برآورده کردن Satisfy

نیاز Need

بنابراین Therefore از این رو،

زمین Land

نیروی کار Labor

تجهیزات Equipment

فنی Technical

دانش Knowledge

مطالعه Study

تولید کردن Produce

مختلف Various

کالا Commodity

e. g. "مثلاً"

مثل Such as

گندم Wheat

گوشت Beef

جاده Road

توزیع کردن Distribute

کالا Goods

عضو Member

مصرف Consumption

بطور خلاصه In short

Analyze تحلیل کردن

Production تولید

Distribution توزیع

Services خدمات

Microeconomics اقتصاد خرد

Macroeconomics اقتصاد کلان

Divide تقسیم کردن

Main اصلی

Branch شاخه/شعبه

Take استفاده کردن / اتخاذ کردن / بکاربردن

Approach روش

While در حالی که

Market بازار

As contrasted with در مقایسه با

Plan برنامه ریزی کردن

Decision تصمیم

Regarding درباره/ راجع به

Investment سرمایه گذاری

Based on بر پایه

Demand تقاضا

Supply عرضه

واژه Term

Synonymously بصورت مترادف (هم معنی)

واقعی Real

وجود داشتن Exist

Pure ناب/ خالص

در برگرفتن Include

درجه Degree

State(n) دولت/حالت

State(v) بیان کردن

Direct اداره کردن

Activity فعالیت

Thus از این رو/ بنا براین

Classify طبقه بندی کردن

As بعنوان

Mixed مختلط

جلسه ی

هفتم

ترجمه ی متن اول:

Economics

علم اقتصاد

People live in societies. (live, lived, lived)

مردم زندگی می کنند در جامعه.

In every society, interactions between people and groups construct the economy. (construct, constructed, constructed)

در هر جامعه، تعاملات بین مردم و گروه ها می سازد اقتصاد را.

Awareness of how an economy functions is vital to solve economic problems because we live in a globe with scarce resources and unlimited wants of human beings. (function, functioned, functioned)

آگاهی از اینکه چگونه اقتصاد عمل می کند هست ضروری برای حل مشکلات اقتصادی زیرا ما زندگی می کنیم در جهانی با منابع کمیاب و خواسته های نامحدود بشر.

Scarcity means that available resources are insufficient to satisfy all wants and needs. (mean, meant, meant)

کمیابی بدان معناست که منابع موجود هستند ناکافی برای برآوردن همه ی خواسته ها و نیازها.

Therefore, the study of how people use scarce or limited resources (e.g., land, labor, equipment, and technical knowledge) to produce various commodities (such as wheat, beef, roads) and to distribute these goods to various members of society for their consumption is economics. (use, used, used)

بنابراین، مطالعه ی اینکه چگونه مردم استفاده می کنند از منابع کمیاب یا محدود (مثلاً زمین، نیروی کار، تجهیزات، و دانش فنی) برای تولید کالاهای مختلف (مثل گندم، گوشت، جاده) و برای توزیع این کالاها به اعضای مختلف جامعه برای مصرفشان هست علم اقتصاد.

In short, economics analyzes the production, distribution, and consumption of goods and services. (analyze, analyzed, analyzed)

بطور خلاصه، علم اقتصاد تحلیل می کند تولید، توزیع، و مصرف کالا و خدمات را.

Macro and Microeconomics

اقتصاد کلان و اقتصاد خرد

Economics is divided into two main branches: Macroeconomics and Microeconomics. (divide, divided, divided)

علم اقتصاد تقسیم می شود به دو شاخه ی اصلی: اقتصاد کلان و اقتصاد خرد.

Macroeconomics takes a top-down approach to analyzing the economy while microeconomics takes a bottom-up approach.(take, took, taken)

اقتصاد کلان بکار می برد یک روش بالا به پایین را برای تحلیل اقتصاد درحالیکه اقتصاد خرد به کار می برد یک روش پایین به بالا را.

Market economy

اقتصاد بازار

A market economy, as contrasted with a planned economy, is an economy in which decisions regarding investment, production, and distribution are based on demand and supply.

اقتصاد بازار، در مقایسه با اقتصاد برنامه ریزی شده، هست اقتصادی که در آن تصمیمات راجع به (درباره ی) سرمایه گذاری، تولید، و توزیع هستند بر پایه ی عرضه و تقاضا.

The term “free-market economy” is sometimes used synonymously with “market economy.” (use, used, used)

واژه ی " اقتصاد بازار آزاد" گاهی استفاده می شود بصورت مترادف با "اقتصاد بازار".

In the real world, market economies do not exist in pure form.

در دنیای واقعی، اقتصاد های بازار وجود ندارند به شکل خالص.

Most market economies include a degree of economic planning or state-directed activity and are thus classified as mixed economies. (include, included, included) (classify, classified, classified)

بیشتر اقتصاد های بازار در بر می گیرند درجه ای از برنامه ریزی اقتصادی یا فعالیت دولتی را و از این رو (بنابراین) طبقه بندی می شوند به عنوان اقتصاد های مختلط.

